

استعاره از خورشید و ماه
مقایسه قرآن و انجیل

قرآن شمس، 91 ج 1-2

«سوگند به خورشید و شکوه و جلال او».

سوگند به ماه در حالی که او (خورشید) را دنبال می کند.

اولاً، در حالی که خورشید به طور استعاری بر حقیقت، واقعیت و تجلی کتاب مقدس دلالت دارد
1. (مت. 5: 45؛ 13: 43؛ 17: 2؛ لوقا 1: 78؛ مکاشفه 1: 16؛ 10: 1؛ 2: 1)، ماه بر ایمان و ارتدکس اسلامی دلالت دارد. در قرآن آمده است که ماه از خورشید پیروی می کند. (قرآن شمس، 2) بر اساس این قیاس، این واقعیت که ماه از خود نوری ندارد، بلکه نور خورشید را منعکس می کند (قرآن شمس، 1-2) این را نشان می دهد که قرآن انعکاس نور آیات پیشین یعنی تورات، انجیل و زبور است که در کتاب مقدس آمده است.

ثانیاً، در حالی که خورشید کل نور را فراقنی می کند، ماه نور خاصی را منعکس می کند.
2. بنابراین، با این قیاس، در حالی که وحی کتاب مقدسی که در «تورات، انجیل و زبور» آمده است، تمام حقیقت وحی کتاب مقدس و راز ابراهیمی را به نمایش می گذارد. قرآن منعکس کننده حقیقت خاصی از یک روایت ایمانی است که بین هاجر و خدای کتاب مقدسی ابراهیم که او شخصاً تجربه کرده بود، مواجه شد (پیدایش 16: 8-13؛ 21: 14-20). این حقیقت در تجربیات دینی او از طریق اسماعیل به فرزندانش منتقل شد. (پیدایش 16: 15؛ 3: 17-14؛ 18: 17 و 20)

مقدر شده است که اسحاق و فرزندانش مأمور کار خدا باشند
3. ثالثاً، اسماعیل و فرزندانش مقدر شده اند که گیرندگان بی نظیری از کار خداوند باشند. به عبارت دیگر، در حالی که اسحاق برکت عهد را دریافت می کند؛ اسماعیل وعده نعمت می گیرد. (پیدایش 19: 17-20)

4. در حالی که چهره تاریک ماه برای درخشیدن به نور خورشید درخشان خورشید نیاز دارد، اسلام به نور درخشان انجیل نیاز دارد که نور شود... (پیدایش 1. 2) از طریق تفسیر مجدد قرآن. با کلید کتاب مقدس

خامساً، در حالی که در ماه برای وجود انسان احساس سرما می کند و بنابراین گرمای خورشید برای متعادل کردن معادله لازم است، اسلام به گرمای خون ریخته شده بر روی صلیب جلگه نیاز دارد تا تشنگی و عمیق ترین اشتیاق خود برای عدالت و برابری را سیراب کند. .

از این رو، اسلام را می توان تحقق وعده های خداوند برای اسماعیل دانست.

اعراب به طور خاص و اقوام مسلمان به طور کلی (پیدایش 21: 13). علاوه بر این، قرآن را می توان به عنوان یک وحی برای اعراب مشرک که از فرزندان اسماعیل هستند و نیز شاهی بر مسیحیت عیسی برای یهودیان مکه و مدینه در نظر گرفت. با این حال، باید توجه داشت که قرآن، به مشیت کریمانه خداوند، حاوی تعداد زیادی آیات مسیحایی است که می تواند به عنوان نقطه تماس اسلام و مسیحیت باشد.

جلال الدین محمد رومی، محقق صوفی قرن سیزدهم می نویسد: "حقیقت آینه ای بود در دستان خدا، افتاد و تکه تکه شد. همه تکه ای از آن را برداشتند و به آن نگاه کردند و فکر کردند که حقیقت را دارند." با تأمل در این شعر، از خودم پرسیدم که اگر تاریخ کلیسا با بسط های تبلیغی اش با بیانیه پولس شکل می گرفت که ما به عنوان ایمانداران اکنون در آینه ای مبهم می بینیم، چگونه توسعه می یافت (اول قرن نهم 12: 13).

بر اساس روایتی که در پیدایش 16 آمده است، هاجر یک خدمتکار مصری بود که در خانه ابراهیم کار می کرد و سارا نظر خود را به ابراهیم ارائه کرد که چون سن آنها بسیار بالا رفته و به نظر می رسد که از خود فرزندی نخواهند داشت. که ابراهیم می توانست به عنوان همسر با هاجر بخوابد (پیدایش 16: 3) به این امید که همانطور که کتاب مقدس گزارش می دهد "شاید بتوانم به وسیله او خانواده ای بسازم" (پیدایش 16: 2). سپس ابراهیم موافقت کرد و هاجر از اسماعیل حامله شد.

برخی موازی ها

در حالی که آدم به صدای همسرش حوا گوش می داد (پیدایش 3: 17)، ابراهیم به صدای همسرش سارا گوش می داد. (پیدایش 16: 2) در حالی که حوا میوه ای برداشت و به شوهرش آدم داد (پیدایش 3: 6). سارا زن گرفت و به شوهرش ابراهیم داد. (پیدایش 16: 3)

هاجر تاریخی - منبع اسلامی

با توجه به گزارش های فوق کتاب مقدس، شباهت های مهمی با روایت هاگر در منابع اسلامی وجود دارد.

به عنوان مثال، ابن عباس در مجموعه های معتبر بخاری نقل می کند:

«وقتی ابراهیم به خاطر حسادت هاجر با همسرش اختلاف پیدا کرد، آن دو را در بیابان برد تا به منطقه مکه رسیدند (که در مزمور 84: 6 باکا نیز نامیده می شود) آب کامل به آنها داد. پوست و آنها را زیر درخت رها کرد و به خانه بازگشت. هاجر ندا داد: ابراهیم، ما را به چه کسی می سپاری؟ او پاسخ داد: تو را به خدا می سپارم. هاجر پاسخ داد. من از بودن با خدا راضی هستم.

بعد-

بعداً وقتی آبی که به هاجر داده شد تمام شد، او به دنبال کمک می‌دوید تا از تپه‌های «صفا» بالا برود و سپس «مروه» به این سو و آن سو می‌رفت و هر بار برای بررسی اسماعیل در دره بین‌المللی توقف می‌کرد. هنگامی که نزدیک بود بمیرد و او طاقت تماشای مرگ او را نداشت، به شدت گریه کرد و بار دیگر به «صفا» بازگشت تا از او کمک بگیرد. در آن لحظه، او صدایی از آسمان شنید و بیشتر فریاد زد: "اگر می‌توانی به ما کمک کن!" سپس جبرئیل بر زمین زد و آب فوران کرد و مادر و فرزند هر دو نجات یافتند.

مسلمانان تا به امروز هنگام انجام مناسک حج، «سعی» را انجام می‌دهند و بین «صفا» و «مروه» می‌دوند تا اندوه جدشان هاجر را دوباره به نمایش بگذارند، از همان چاه زمزم آب می‌گیرند. به یاد این که چگونه خداوند اسماعیل را از مرگ سرسام آور نجات داد! در دو نوبت خداوند برای نجات جان هاجر و اسماعیل در پیدایش 16 و 21 دست به دست کرد. این نشان دهنده عشق، مراقبت و شفقت خدا نسبت به هاجر و پسرش است. در ژنرال 9:16، کلمه «تسلیم» در عربی تسلیم است، یک کلمه ریشه «SLM» که اسلام از آن گرفته شده است. هاجر با خدا ملاقات کرد و محبت، رحمت و شفقت او را به صورت شخصی تجربه کرد. او در پاسخ به صفات والای الهی او تسلیم شد و تسلیم شد

مایکل (105-2005:99) می‌نویسد،

«...این هاجر است که خدا را این نام می‌گذارد... خدا چه می‌بیند؟ خدا ناراحتی هاجر را می‌بیند، به کمک او بیاید. شفقت نشان می‌دهد با او با مهربانی رفتار می‌کند و او را نجات می‌دهد. در رویارویی خداوند با هاجر در دسر، برای اولین بار می‌بینیم که خداوند خدایی است که به کسانی که رنج می‌برند عنایت ویژه ای دارد. اسماعیل متبرک شد و صاحب فرزندان بسیار شد که به اسماعیلیان (اعراب) اهل بیابان معروف شدند. وارثان اسحاق به بنی اسرائیل تبدیل شدند. بنابراین، از آن زمان، اسماعیلیان و بنی‌اسرائیل مانند برادران جنگیدند و محبت کردند.

نقشه خدا اینه که....

اراده خداوند در آخرالزمان این است که با هم محبت کنند و به عنوان شریک فضل الهی به ارث ببرند. از طریق ابراهیم اتفاق خواهد افتاد.

یحیی ابواسحاق می‌نویسد:

«اسماعیل از طرد شده بود اما مورد قبول خداوند قرار گرفت. او در صحرای سوزان و سوزان از تشنگی تا سر حد مرگ رنج می‌برد. اما به لطف خداوند و مداخله معجزه آسا در تأمین آب زمزم،

خداوند او را از مرگ نجات داد و «نجات داد». بدین ترتیب، ابراهیم، اسماعیل را با نوعی «رستاخیز معجزه‌آسا» از مرگ بازگرداند.

«در مورد اسحاق هم همینطور بود. او نیز نجات یافت و از طریق چاقو از مرگ نجات یافت زیرا خداوند قوچی را که در بیشه‌زاری گرفتار شده بود عنایت کرد. به همین ترتیب، ابراهیم نیز اسحاق را با نوعی «رستاخیز معجزه‌آسا» از مرگ بازگرداند.

مایکل (105-2005:99) مشاهده می‌کند، "من معتقدم که هاجر یک شخصیت مذهبی کلیدی است و میانجیگری در داستان او می‌تواند درک یهودیان، مسیحیان و مسلمانان را در مورد ماهیت خدایی که ما می‌پرستیم و معنای انجام اراده خدا در جوامع معاصر را تقویت کند. تصویر هاجر و فرزندش در بیابان بخشی از واقعیت امروز است. کارگر خانگی کمزاده و سخت‌کوش، که توسط کارفرمایانش از مادر مجردی که توسط پدر فرزندش، خارجی و پناهنده دور از سرزمین مادری‌اش رها شده بود، استفاده می‌کرد و مورد سوء استفاده قرار می‌گرفت و از خانه بیرون می‌کرد، ناامیدانه در تلاش برای زنده ماندن بود، در مادری دیوانه‌وار. نگرانی برای امنیت فرزندش - این هاجر را بارها ملاقات کرده ام.

آیا اسلام با حضرت محمد (ص) آغاز شد؟

پاسخ کوتاه و ساده «نه» است. اسلام با ابراهیم آغاز شد و قرآن او را به عنوان اولین مسلمانی که تسلیم خواست خدا شد و سفر ایمانی به سوی خدا را آغاز کرد تأیید می‌کند. همه انبیا در ایمان ابراهیم شریک بودند و همگی مسلمان بودند زیرا از گام ابراهیم پیروی کردند. علاوه بر این، قرآن به ابراهیم فرمود: به عنوان مردی با ایمان باورنکردنی به خدای یکتاپرست به عنوان دوست صمیمی خداوند خلیل الله به عنوان یک موهبت و پدر برای بسیاری از ملت‌ها از جمله ملت مسلمان

ادامه:

دریافت عهد برکت (نجات) این‌که خدا راز ملکوت آسمان و نقشه نجات خدا را نشان داده است. از طرف خدا به او دستور داده بود که پسرش را قربانی کند، اما ابراهیم واقعا کدام پسر را قربانی کرد؟ اسماعیل یا اسحاق!

اسماعیل یا اسحاق؟

در اصل و در عمل، اسحاق و اسماعیل هر دو بر اساس آنچه در قانون موزاییک یهودی در مورد قربانی گناه قابل دستیابی بود، قربانی شدند. در سنت یهودی یا قانون قربانی گناه، دو بز ارائه می شد. یکی از طریق چاقو کشته می شد و دیگری به سرگردانی در صحرا فرستاده می شد. کتاب مقدس تأیید می کند،

«آنگاه باید هر دو دست را بر سر بز زنده بگذارد و به تمام گناهان و سرکشی های بنی اسرائیل در مورد تمام گناهانشان اعتراف کند. او باید آنها را بر سر بز بگذارد و به دست مردی که برای این کار منصوب شده است به بیابان بفرستد.» (لاویان 16:21)

در مورد اسحاق، طبق کتاب مقدس، ابراهیم با ایمان پاسخ داد، اما سرانجام در رحمت بی پایان خود، خداوند جایگزین و جایگزینی برای قربانی اسحاق (با چاقو و خون) قرار داد. قرآن نازل می کند

«و او را فدیة فدیة ای بزرگ دادیم و (این نعمت) را در میان نسلها برای او گذاشتیم.» (قرآن 37: 108-107)

یحیی ابواسحق ادامه می دهد.....

در حالی که در مورد اسماعیل،

او به سرگردانی در بیابان فرستاده شد و بدین ترتیب یکی دیگر از الزامات دوگانه قانون موزاییک یعنی قربانی کردن کامل اسماعیل (سوختن در آتش) را برآورده کرد. «به همین ترتیب، عیسی مسیح ناصری نیز از نظر شجره نامه پسر ابراهیم بود و در او اسماعیل و اسحاق می توانند به عنوان وارث مشترک با هم متحد شوند.» «عیسی که در کتاب مقدس «بره خدا» نامیده می شد، در تمام واقعیت هم قربانی اسماعیل و هم اسحاق را متحمل شد. او با تسلیم واقعی یک قربانی سوختنی کامل برای نجات بشر تقدیم کرد.»

«عیسی از طردی که اسماعیل و هاجر در آتش های صحرا تجربه کردند، متحمل شده بود. او بر روی صلیب فریاد زد: "من تشنه هستم". اما خدا بر خلاف اسماعیل به او رحم نکرد. هیچ آبی به او داده نشد. در عوض به او سرکه داده شد تا رنج و اندوه او تشدید شود.»

صلیب عیسی

سپس بر روی صلیب، همان طرد شدنی را که اسحاق و ابراهیم تجربه کرده بودند، متحمل شد. هنگامی که نیزه توسط سرباز رومی به پهلوی او زده شد، او فریاد زد: "خدای من! خدای من! چرا

مرا ترک کردی؟ بر خلاف اسحاق، خدا بر روی صلیب جایگزینی برای قربانی بره فراهم نکرد. بر خلاف اسحاق، عیسی از زخم مرگبار «کارد» که در مورد او نیزه سرباز رومی بود، در امان ماند. خون و آب از زخم چاقو جاری شد و نشان داد که خون او منعقد شده و او به طور فیزیکی و واقعی مرده است. برخلاف اسماعیل و اسحاق، عیسی یک «مرگ واقعی» دوگانه را پشت سر گذاشت.

اولین مرگ

اولین مورد مرگ فیزیکی بر روی صلیب بود. اما دومی مرگ معنوی بود. عیسی از میان آتش جهنم و جهنم گذشت. او هم طعم مرگ جسمانی و هم مرگ روحی را برای ما چشید.

«او دو جنبه از قربانی کلی یهودیان قربانی سوختنی را انجام داد که هم قربانی اسحاق (چاقو و خون) و هم قربانی اسماعیل (سوختن در آتش) نشان داده شده بود.»

«اما همانطور که دو پسر ابراهیم با رستاخیز به ابراهیم بازگردانده شدند، عیسی نیز با رستاخیز جسمانی و روحانی به خدا بازگردانده شد.

«او برای ما طعم هر دو مرگ را چشید و از آن مرگ‌ها بازگشت تا ما رستگار شویم.»

«ابراهیم اولین انسانی بود که اسلام ناب را نشان داد و زندگی کرد (قرآن انعام، 78؛ قرآن 16:120). او این کار را با فراخواندن مردم به رویگردانی از بت پرستی برای پرستش خدای یگانه واقعی و زنده انجام داد، او همچنین آنچه را که موعظه می کرد با تقدیم دو پسرش به خدا در تسلیم کامل انجام داد. ابراهیم واقعاً پیامبر بزرگی بود. ابراهیم پدر است و ما باید از او الگو بگیریم

«ابراهیم پدر عیسی مسیح است و در الگوی عیسی از اسلام واقعی، هر دو پسر ابراهیم در حضور خدا در عیسی متحد هستند. هر دو وارث خدا هستند.»

اسلام نه دشمن است و نه تهدید جهانی، بلکه شریک توسعه است
فقید جولیو باستی سانی، یک فرانسیسکن OFM که سال های زیادی را صرف تحقیق، یادگیری و تعامل با قرآن و مردم مسلمان کرد، اذعان می کند:
«نفرت من از اسلام از دلی بی مهر و ناآگاهی از بسیاری عوامل دیگر ناشی شد. اینها نتایجی بود که در سال 1941 به آنها رسیدم، زمانی که تنها هدف من از مطالعه اسلام رد آن و نابود کردن دشمن بود. دشمن بود چون نمی توانستم آن را درک کنم و از این رو نمی توانستم دوستش داشته باشم. این نتیجه مطالعه من در مورد مراسمی بود...»
«ناتوانی در درک اسلام میراث اکثر مسیحیان است. این تا حدی به مطالعه تاریخ دوران کودکی آنها برمی گردد. رهایی از گیره تعصباتی که ذهن ما را در برگرفته و حتی از آن آگاه نیستیم، آسان نیست. (جرج 2000، 10)

اگرچه بین مسیحیت و اسلام تفاوت‌های اساسی وجود دارد که اغلب در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند. جنگ‌های صلیبی تنها نمونه‌ای از انبوهی از این درگیری هاست. با این حال، راه‌های زیادی وجود دارد که از طریق آن دو جامعه ایمانی می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند. شریک و با هم برای حفظ صلح و توسعه همکاری کنند.

از آنجایی که زندگی روی زمین بدون خورشید و ماه امکان پذیر نیست. آیا ممکن است اسلام در زمانی پدید آمد که توحید تقریباً از روی زمین محو شده بود و پرستش خدای یگانه زنده نگه داشته شده و در واقع به وسیله اسلام در سراسر زمین گسترش یافته است؟ اسلام پیامی دارد و آن پیام این است که پیامبران گفته اند، تنها یک خدا وجود دارد، کلیسا (در آن زمان) از ارائه مسیح با تمام درخشندگی خود کوتاهی می کرد، زیرا آنها بین خود تقسیم شده بودند، هر فرقه ای ادعا می کرد که خدای متعال است. پیروان واقعی مسیح، که هر یک انجیل واقعی را دارند و هر کدام تفسیر درستی از کتاب مقدس هستند. فریاد مراقبت از یتیمان و بیوه ها، ساده زیستی و برادری با دیگر مؤمنان است.

مطالعه اسلام و مسیحیت

با این حال، مطالعه‌ای کوچک در قرآن نشان می‌دهد که منابع آن از عهد عتیق و سایر متون موجود در آن زمان، همه در قالب عربی است. اسلام معادل یا نسخه عربی یهودیت است. بنابراین، اسلام و مسیحیت هر دو به یکدیگر نیاز دارند. اگر مسلمانان و مسیحیان واقعاً قدر یکدیگر را بدانند و برای حل مسائل جهانی از نزدیک با یکدیگر همکاری کنند، چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد؟

احساس خوبی است، اما چگونه ممکن است چنین چیزی اتفاق بیفتد؟ آیا پیوند مشترکی بین یکدیگر وجود دارد؟ خود مسیح محترم ترین، محترم ترین و پیروترین فرد است و اگر تلاش جدی برای عمل به عنوان برادر عمومی صورت می‌گرفت، ممکن بود از او اطاعت شود.

زمین، مسکن انسان، برای زندگی به خورشید و ماه نیاز دارد همانطور که رزق و روزی، مسیحیان و مسلمانان نیز به مشارکت یکدیگر نیاز دارند تا در کهکشان راه شیری در صلح و هماهنگی برای توسعه پایدار، عبادت خالصانه و پرستش واقعی خداوند متعال، خالق هستی و نگهدارنده منظومه شمسی زندگی کنند.

اگرچه ابراهیم یک پیوند وحدت بود که نقش و شخصیت منحصر به فرد او به عنوان «پدر ایمانی» برای سه جامعه ایمانی توحیدی شامل یهودیان، مسیحیان و مسلمانان بود، اما هاجر یک شخصیت تاریخی و مذهبی است که برای مسلمانانی که به یاد دارند بسیار خاص است. او به عنوان نمادی از امید به نجات خدا. او مادر اجدادی همه اعراب و همه مسلمانان است. ایمان، فروتنی، وفاداری و تسلیم او در برابر اراده خدا همانطور که در روایت کتاب مقدس آمده است «برگرد و تسلیم معشوقه خود سارای» [پیدایش. 16: 6] «نمونه» شهادت غیرمستقیم کتاب مقدس به فرزندان او به حامل حقیقت [از طریق تسلیم] در دودمان ساره است که بعداً به عنوان مسیح یا مسیح آمد.

امروز در مکان و زمان خودمان، مانند روزگار هاجر، می‌توانیم همان صدا را بشنویم که از ما می‌خواهد «برگردیم و تسلیم «حامل حقیقت» شویم. از طریق "تسلیم" واقعی و واقعی در دودمان سارا که برای نجات جهان آمده است! (یوحنا 3: 16)

نیاز به ناجی حقیقت قبل از روز قیامت

قرآن ماه، 1

«قیامت نزدیک است و ماه شکافته است».

قرآن معاد، 7-10

"در طول، زمانی که منظره مبهوت شود،"

"و ماه در تاریکی مدفون است."

"و خورشید و ماه به هم پیوسته اند."

در آن روز انسان می‌گوید: پناهگاه کجاست؟

قرآن می‌فرماید....

قرآن نازل می‌کند که جز حق‌رسان هیچ‌کس نمی‌تواند نجات دهد یا شفاعت کند.

«و کسانی را که به جای خدا می‌خوانند، شفاعتی ندارند مگر کسی که به حق گواهی دهد». (قرآن

86: 43)

کتاب مقدس تأیید می‌کند،

"شما نزد یحیی (بابتیست) فرستاده اید و او به حقیقت شهادت داده است... اما من از انسان شهادت

نمی‌گیرم، بلکه اینها را می‌گویم تا نجات یابید (یوحنا 5: 33-34).

قرآن هم موافق است

«و فرشتگان (زکریا) را در حالی که ایستاده بود و در مدرس دعا می‌کردند، ندا دادند. و پیامبر

صالحان. (قرآن 3: 39)

عیسی می‌گوید....

خود عیسی می‌گوید

«من حقیقت هستم، زندگی و راه (صراط مستقیم) هیچ‌کس جز به وسیله من نزد پدر نمی‌آید (زیرا به

وسیله من همه به وجود می‌آیند و همه به وسیله من به سوی پدر باز می‌گردند)

«من نان زندگی هستم. کسی که نزد من می‌آید هرگز گرسنه نخواهد شد و هر که به من ایمان آورد

هرگز تشنه نخواهد شد... اما آبی که به او خواهم داد در او چشمه‌ای خواهد شد که به حیات جاودانی

می‌جوشد (یوحنا 6: 23، 14: 14).

«خدای تو گفت بر من آسان است که او را برای مردم وحی و رحمتی از جانب خود قرار دهیم و این

امری است مقدّم (قرآن 19: 21).

«شما کتب مقدّس را جست‌وجو می‌کنید، زیرا فکر می‌کنید در آنها زندگی جاودانی دارید و اینها هستند که درباره من شهادت می‌دهند (یوحنا 5: 39).
«و این است حیات جاودانی تا تو را خدای یگانه حقیقی و عیسی مسیحی را که فرستادی بشناسند.»
(یوحنا 17: 3)

قرآن می‌فرماید...
قرآن نشان می‌دهد که عیسی نشانه ظهور قیامت است. او نیز صراط مستقیم است. او می‌گوید: "من را دنبال کن"

«و او [عیسی] برای آمدن قیامت نشانه ای دانا خواهد بود، در آن شک نکنید و از من پیروی کنید که این صراط مستقیم است. (قرآن 43: 61)

خود عیسی تأیید می‌کند که او رستاخیز است،

«... من رستاخیز و حیات هستم. (یوحنا 11: 25)

«این عیسی بن مریم است سخنی حق است که در مورد آن بیهوده مجادله می‌کنند (قرآن 19: 24).

حدیث می‌گوید...
حدیث می‌گوید که باب توبه باز است و همچنان پابرجاست. با این حال، هنگامی که انسان در گناه بمیرد، پس از مرگ فرصتی برای توبه وجود ندارد. بنابراین، یک هشدار به همه، و کسانی که از صمیم قلب اشتباه می‌کنند، باید از همه راه‌های انحرافی خود توبه کنند، پیش از روز قیامت با توبه خالصانه تسلیم خداوند شوند.
قرآن در ادامه هشدار می‌دهد:
«بله! آنچه شما را به آن تهدید می‌کنند، حقیقتاً درست است، و اینک! به راستی که داوری خواهد شد.» (قرآن 51: 5-6)

آیا آنها فقط منتظر تحقق نهایی رویداد هستند؟ روزی که واقعه به پایان می‌رسد، کسانی که قبلاً حق را نادیده گرفتند، خواهند گفت که رسولان پروردگار ما حقیقت را آورده اند. آیا ما اکنون شفیع می‌نداریم که از جانب ما شفاعت کند؟ (قرآن 7: 53)
«و شیطان شما را (از دین حق) بازدارد. همانا او (شیطان) دشمن آشکار شماست» (سوره 62: 43).

ابراهیم می‌گوید...

ابراهیم به بزرگی خطر قریب الوقوع پیش رو در روز قیامت پی برد، زیرا برای خشنود ساختن خدا تنها به عدالت نیاز است و هیچ کس عادل نیست. سپس با دعا و توبه به درگاه خداوند متوسل شد. و چون به خدا اعتماد داشت جواب گرفت.

«پروردگارا! مرا (گناهانم) را با آمرزش خود ببوشان.» (قرآن 14: 41).

داوود درباره این برخورد ابراهیم و خدا می نویسد:

«خوشا به حال کسی که گناهش آمرزیده شود و گناهش پوشیده شود. خوشا به حال مردی که خداوند هیچ گناهی برای او قائل نیست. (قرآن 32: 1)

عهد جدید می گوید...

این پوشش و بخشش گناهان توسط خداوند بیانگر محبت بی پایان، رحمت بی پایان و شفقت بی پایان او نسبت به ابراهیم و خانواده اش است.

پیتر می نویسد

"عشق انبوهی از گناهان را می پوشاند." (اول پطرس 32:1)

خود عیسی می گوید

«هیچ کس عشقی بزرگتر از این ندارد که جان خود را در راه دوستانش فدا کند.» (یوحنا 15:13)

کتاب مقدس اعلام می کند،

"زیرا از آنجایی که به وسیله انسان مرگ [از طریق آدم اول] آمد، رستاخیز مردگان نیز به وسیله انسان [از طریق آدم آخر] آمد." (اول قرن 15:21)

قربانی بوی خوش عیسی راهی را برای هر شخصی که معتقد است در آفرینش دومی که خدا وعده داده است بخشی از خانواده ابراهیم است باز کرده است.

همشون میگن....

قرآن نازل می کند

«این که او (خداوند) خلقت دوم را وعده داده است.» (قرآن 53: 47)

«او کسی است که روند خلقت را (در آدم اول) می آورد و دوباره آن را تکرار می کند (در حضرت عیسی، آدم دوم)» (قرآن 10:4).

کتاب مقدس تأیید می کند،

«و چنین نوشته شده است: «اولین انسان آدم موجود زنده شد» و آدم آخر روح حیات بخش شد. (اول قرن 15:45)

عیسی به آرامی صدا می زند،

«بیاوید نزد من، ای همه خسته و گران بار، و من آرامش خواهم داد.» (مت 11: 28)

«اینک من بر در ایستاده، می‌گویم، اگر کسی صدای مرا بشنود و در را بگشاید، نزد او می‌آیم و با او شام می‌خورم و او با من.» (مکاشفه 3: 20)

آیا دوست دارید بخشی از خانواده ابراهیم باشید که خدا وعده داده است که از طریق عیسی مسیح به وجود خواهد آمد؟

خداوند ابراهیم را برکت داده و او را نعمتی برای بشریت قرار داده بود. آیا دوست دارید از این نعمت ابراهیمی بهره مند شوید؟

سپس نام عیسی را بخوانید. قرآن تأیید می کند که عیسی بیش از 2000 سال از عروجش به بهشت می گذرد و همیشه با خدا زندگی می کند! (قرآن 4: 159)

هیچ هزینه ای برای شما ندارد، بلکه به صرفه است که به کلامی که خدای قادر متعال شما را به وسیله آن آفریده است بخوانید (یوحنا 1: 1) و از طریق آن به لطف، رحمت و قدرت خود شما را تا به امروز حمایت می کند!

فقط بگو، پروردگارا من به کمک تو نیاز دارم! نجاتم بده زیرا او شما را همانطور که هستید (مسلمان) و همان جایی که هستید (در مسجد!) می بیند، می شنود و می پذیرد.

حیدر ابواسحاق